

درآمدی بر ضرورت آینده‌پژوهی اسلامی و توجه به سطوح آن با تمرکز بر نهج‌البلاغه

امیر رضاقلی^۱

۱۴۰۳/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت:

چکیده

آینده‌پژوهی در جایگاه دانشی نوپدید به موضوع آینده‌جوایع می‌پردازد. این دانش در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش‌های جامعه، آینده‌مرجخ را انتخاب و برای پی‌ریزی ساخت مطلوب‌ترین آینده، کمک کند. آینده‌پژوهی اسلامی نیز همین آرمان را بر محور آموزه‌های اسلامی دنبال می‌کند. متون اسلامی به‌ویژه کتاب‌هایی چون قرآن کریم و نهج‌البلاغه از انواع آینده مطلوب و نامطلوب سخن گفته و آن را به‌عنوان آینده‌مرجخ تفصیلاً معرفی و شیوه دستیابی به آینده مطلوب و پرهیز از آینده نامطلوب را بیان نموده است. در این نوشتار که به روش اسنادی و تحلیل-توصیفی نگاشته شده، آینده از منظر نهج‌البلاغه مورد توجه بوده است. آینده در نهج‌البلاغه، به دو گونه آینده محتوم (قطعی) و آینده غیرمحتوم (غیرقطعی) تقسیم می‌شود. آینده محتوم شامل رستاخیز، رجعت و بازگشت نیکان و ظهور منجی شده و از عهده تصرف، برنامه‌ریزی و اختیار انسان‌ها و جوامع خارج است؛ اما نمی‌توان آن را از دانش آینده‌پژوهی بیرون دانست؛ زیرا افراد و جوامع در شیوه رویارویی با آینده‌های محتوم، مختار هستند و برنامه‌ریزی معطوف به چگونگی رسیدن به آینده‌های محتوم مطلوب جزئی از این دانش خواهد بود. آینده‌های غیرمحتوم که خود به دو گونه آینده‌های غیرمحتوم غیبی و آینده‌های غیرمحتوم عقلانی-عقلانی تقسیم می‌گردد، سخن از آینده‌هایی دارد که با تصرف، اختیار و برنامه‌ریزی انسان ساخته می‌شود و تردیدی در شمولیت دانش آینده‌پژوهی نسبت به آن نیست. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه به همه گونه‌های آینده‌های فوق اشاره داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، نهج‌البلاغه، سطوح آینده‌پژوهی، آینده محتوم، آینده غیرمحتوم.

۱. دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج‌البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران
jangenarm123@gmail.com

مقدمه

امروزه آینده‌پژوهی^۱ به‌متابه دانشی نوپا اما مهم، به یک ضرورت مدیریتی در عرصه حکمرانی بدل گشته است. همگان به نیکی اذعان دارند که بدون برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه نمی‌توان جوامع را مدیریت نموده و آنها را به‌سوی آرمان مطلوب خود حرکت داد؛ زیرا عرصه حکمرانی، پیوسته در حال دگرگونی و تحوّل است و حکومت‌ها و جوامع نیز نسبت به یکدیگر در خلأ نبوده و برهم تأثیر و تأثر دارند. بر این اساس، ضروری می‌نماید دانش آینده‌پژوهی مورد توجه قرار گیرد.

آنچه روشن است تفاوت میان مبانی دانش‌های مدرن و نوپدید با مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی پیروان دین اسلام است؛ جوئینگ جین^۲ در کتاب تحول جهانی فناوری، تصریح نموده علوم و فناوری‌های نرم، «بی‌طرف» نیستند؛ زیرا به بافتارهای فرهنگی وابسته‌اند. او علوم و فناوری‌های نرم را مزیت رقابتی جوامع و سازمان‌ها در آینده معرفی می‌کند (جین، ۱۳۸۷، ص. ۲۷).

بنابراین آینده‌پژوهی در جوامع غیرغربی نمی‌تواند کارساز باشد؛ زیرا طرفدار غرب است. جهان‌بینی غربی در آینده‌پژوهی موج می‌زند و حتی این مسئله اعتراضات زیادی را نیز به‌همراه داشته است (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳، ص. ۹۱-۹۲). این امر ضرورت بازپرداخت و نوسازی این دانش را متناسب با مبانی اسلامی روشن می‌نماید و باید اضافه نمود موفقیت آینده‌پژوهی به‌عنوان دانشی نوپا در ایران، وابسته به بومی‌سازی آن براساس مبانی فکری و باورهای حاکم بر جامعه و طراحی الگویی اسلامی و دینی از آن می‌باشد (چاووشی، ۱۳۹۵، ص. ۱).

سخن در اینجاست:

آیا متون اسلامی در زمینه آینده‌پژوهی رهنمودی دارند؟ سپس در صورت دستیابی به پاسخ مثبت، آیا امکان بازپرداخت دانش آینده‌پژوهی متناسب با مبانی اسلامی مقدور است یا صرفاً گزاره‌هایی محدود در متون اسلامی وجود دارد که یارای نوسازی آینده‌پژوهی اسلامی را ندارد؟ در ادامه باید به این پرسش پاسخ دهیم که آینده‌پژوهی اسلامی، در چه سطوحی متصور است؟

پاسخ به پرسش‌های فوق را در بستر کتاب نهج‌البلاغه می‌کاویم.

فرضیه آن است که آینده‌پژوهی (نظر به موضوع و هدف خود) امکان بازپرداخت اسلامی داشته و در آموزه‌های اسلامی به‌ویژه کتاب نهج‌البلاغه، در سطوح گوناگون مورد توجه بوده و گزاره‌های فراوانی

1. Future Studies or Futures Studies

2. Jin

به آن اشاره دارند.

ضروری است هنگام بهره‌وری از گزاره‌های مرتبط با هر موضوع دانشی در متون اسلامی، فضاهای اختصاصی فکری^۱ مربوط به آن موضوعات و متون اسلامی، رعایت و هرکدام در جای خود مورد استفاده قرار گیرند. در پژوهش ذیل تلاش شده به این مهم پایبند باشیم.

مبانی نظری

پیشینه پژوهش

کنجکاوی و تفکر در مورد آینده، قدمتی به اندازه عمر بشر بر روی زمین داشته و در میان همه اقوام و جوامع وجود دارد (کارگر و وزیرزاده، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۱). برخی نظر به روند رشد تدریجی آینده‌پژوهی در اروپا در قرون ۱۳ تا ۱۵، تلاش نموده‌اند از نظر تاریخی آن را به سه نوع آینده‌پژوهی با توسل به خرافات (خرافی)، آینده‌پژوهی با توسل به ابزار علمی^۲ و آینده‌پژوهی با توسل به آموزه‌های وحیانی (دینی) بازگردانند (صادقی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۲).

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، اندیشمندان آمریکا، موضوع مطالعه آینده‌های ممکن را دنبال کردند. کوشش ایشان منتج به شکل یافتن سازمان‌ها و نظریات و برنامه‌های دانشگاهی گوناگون و تازه‌ای شد. در این دوران، جستجوی پژوهشگران برای بهبود ابزارهای تصمیم‌گیری در مورد آینده ادامه یافت. این در حالی بود که هنوز در علوم اجتماعی، ارزیابی‌های کیفی حکم‌فرما بود. با این جستجوها، تحلیل‌های کمی نیز در دهه ۱۹۶۰ در علوم اجتماعی اهمیت فزاینده‌ای یافتند. آنچه مهم است حرکت آینده‌پژوهی در قرن بیستم، به تدریج نظام‌مندتر، تفصیلی‌تر و تخصصی‌تر شد. این حرکت منجر به شکل یافتگی دو پارادایم در مسیر آینده‌پژوهی گردید. پارادایم نخست، سنت دیرینه پیش‌بینی^۳ می‌باشد که ترکیبی از تفکر در مورد آینده و تفاسیر شهودی و تمثیلی^۴ است. این جریان فکری، دیدگاه‌ها و استدلال‌های خود را بر بنیان آینده قطعی (محتوم) و آثار جهان ارواح^۵ مطرح می‌کند. اما پارادایم دوم که جریان فکری مدرن به‌شمار می‌آید، استدلال‌ها و پیش‌بینی‌های خود را بر پایه آینده نامعین و احتمال‌ها با هدف کنترل، الگوسازی و آثار روندهای خارجی بنیان می‌نهد (بهروزی‌لک و جلیلونند، ۱۳۹۳، ص. ۶۰-۵۹). اما سخن از آینده‌پژوهی به‌عنوان یک

۱. پارادایم‌ها

2. Scientific.
3. Age-old Prediction Tradition.
4. Mystic explanations.
5. World of Spirits.

حوزه دانشی مستقل ظاهراً به سال ۱۹۹۰ میلادی باز می‌گردد (Bell, 2003, p. 68). پس از آن دانشوران گوناگونی به صورت نظام‌مند به بحث و تبادل نظر در این باره پرداخته و اخیراً نیز در میان مسلمانان مورد تأمل قرار گرفته است.

در بررسی پیشینه آینده‌پژوهی بایستی نظر به پیشینه‌های تخصصی زیرموضوعات آینده‌پژوهی نیز داشت. گاه برخی بخش‌های آینده‌پژوهی همچون روش‌شناسی آینده‌پژوهی خود دارای پیشینه‌ای قابل اعتنا و مورد توجه هستند (برای نمونه عرب‌باقرانی و عیوضی، ۱۳۹۶، ص ص. ۸۹-۹۱).

با گذشتن از پیشینه تخصصی آینده‌پژوهی به معنای غربی آن، در میان مسلمانان نیز اشخاصی چون «سردار» در کتاب «آینده تمدن اسلامی» و دیگران به بحث‌های مربوط به آینده‌پژوهی اسلامی پرداخته‌اند که در جای خود قابل بحث‌های تفصیلی است، (برای نمونه نصراصفهانی و وقوفی، ۱۳۹۹، ص ص. ۷۵-۷۴؛ عنایت‌الله، ۱۳۸۸، ص. ۳) به نقل یکی از دیدگاه‌های آینده‌پژوهان مسلمان پرداخته، سپس به موضوع تخصصی خود باز می‌گردیم.

«المنجره» به‌عنوان یکی دیگر از آینده‌پژوهان مسلمان، مفهوم غیب را که اختصاص به خداوند دارد و مفهوم مستقبل را که از نظر او دلالت بر پیش‌بینی یا به عبارت دقیق‌تر پیش‌نگری از تحولات دارد و در دست مردم است، از مفاهیم مهم آینده‌پژوهی اسلامی می‌داند (المنجره، ۱۹۹۰، ص ص. ۱-۲).

آینده‌پژوهی در ایران (براساس برخی تحقیقات) به سال ۱۳۲۷ باز می‌گردد. به‌نظر می‌رسد فعالیت آینده‌پژوهی ایرانی مبتنی بر روش دلفی^۱ به‌وسیله دکتر مجید تهرانیان صورت پذیرفت. وی از اندیشمندان کمک خواست تا آینده اجتماعی ایران را شناسایی کنند. در سال ۱۳۴۷ نیز جهان‌بگلو، چند مقاله درباره دورنگری را در انتشارات دانشگاه تهران منتشر نمود (پایا و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۱۲ و حیدری، ۱۳۹۳، ص ص. ۸۱-۸۲). فعالیت‌های غیرمستمر و ناپایدار در زمینه آینده‌پژوهی در سال‌های مختلف در کشور انجام شده است که برای نمونه می‌توان به نخستین تجربه ملی در حوزه آینده‌نگری فناوری به نام «پایلوت آینده‌نگری مناسب‌ترین فناوری‌های ایران ۱۴۰۴»^۲ و به‌اختصار «پامفا ۱۴۰۴» که از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا بهمن ۱۳۸۸ انجام شد، اشاره نمود (حیدری، ۱۳۹۳، ص. ۸۲).

1. Delphi Method.

2. Iran 1404 Pilot Foresight- The Most Appropriate Technologies for Iran.

اما در سال‌های اخیر، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی در زمینه آینده‌پژوهی به‌ویژه آینده‌پژوهی اسلامی به‌رشته تحریر درآمده است که سوگمندها نمی‌توان آنها را مانند حلقه‌های یک زنجیر در کنار هم قرار داد و تشتت و عدم سیاست‌گذاری در زمینه آینده‌پژوهی اسلامی (با چشم‌پوشی از برخی نهادهای اختصاصی)، که بتواند پژوهش‌های این حوزه را در سراسر کشور هم‌افزا نماید، قابل ملاحظه نیست.

در زمینه مطالعات و تحقیقات آینده‌پژوهی اسلامی تخصصی به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

۱. مقاله «مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز مبتنی بر قرآن کریم» نگاشته آقایان بهروزی‌لک و دهکردی (۱۳۹۸) تلاش نموده به الگویی دست یابد که براساس قرآن و عترت، به‌سوی ساخت تمدن اسلامی حرکت کند و بنیان نگاه خود را نیز بحث از آینده‌پژوهی می‌داند.

۲. در مقاله «امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اسلامی» نوشته آقایان عیوضی و پدرام (۱۳۹۳)، تلاش شایان توجه و ارزنده‌ای ارائه شده تا مقدر بودن سخن از آینده‌پژوهی اسلامی را ثابت نموده و استلزامات تحقق آن را نیز مورد بحث قرار دهد.

۳. مقاله «مقدمه‌ای بر مبانی آینده‌پژوهی اسلامی» نگاشته دکتر امید وقوفی (۱۴۰۰) نیز از جمله مقالاتی است که به پایه‌های ساخت آینده از منظر اسلام پرداخته و از توجه به سنت‌های الهی گرفته تا سایر ضرورت‌های ساخت آینده اسلامی را مورد اشاره قرار داده است.

۴. کتاب «آینده‌پژوهی از دیدگاه قرآن کریم» نگاشته آقای عالی‌نژاد (۱۳۹۵)، مقاله «جایگاه آینده‌پژوهی در آیات و روایات» (۱۳۹۴) و مقاله «درآمدی بر اسلام و آینده‌پژوهی» اثر آقای منطقی (۱۳۹۱) و مقاله «ارزیابی مقدماتی مفروضات آینده‌پژوهی از نگاه دین اسلام (با تأکید بر قرآن و نهج البلاغه)» از آقای رکوعی (۱۳۹۵) از جمله چندین کتاب و مقاله‌ای است که در دهه اخیر به بحث از نسبت اسلام با آینده‌پژوهی و به‌طور خاص، آینده‌پژوهی اسلامی^۱ پرداخته‌اند و هرکدام با وجود نقاط قوت و ضعف، بخشی از جورچین آینده‌پژوهی اسلامی را تکمیل نموده‌اند.

به‌نظر می‌رسد وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین در موارد ذیل قابل ملاحظه باشد:

۱. یافتن زوایای گسترده‌تری از آینده‌پژوهی ذیل مفاهیم آینده‌های محتوم و آینده‌های غیرمحتوم؛
 ۲. اتکاء به کتاب نهج‌البلاغه به‌عنوان مشهورترین متن شیعی و یکی از مهم‌ترین متون میان مسلمانان در دریافت مفاهیم اسلامی؛
 ۳. ارائه مستقیم اهم گزاره‌ها و مدالیل آینده‌پژوهی در متن مقاله به‌جای ارجاع محض به‌گونه‌ای که محققان و پژوهشگران محترم بتوانند نتیجه‌ای محصل در همین نوشتار در دست داشته باشند؛
 ۴. توجه به پیشینه آینده‌پژوهی و تلاش وافر در جهت پرهیز و احتراز از خلط میان مفاهیم گوناگون آینده‌پژوهی، اهداف این دانش و بسترهای فکری مکاتب مختلف.
- بر این پایه، در نوشتار پیش‌رو کوشیده‌ایم تصویری کلان از آینده‌پژوهی اسلامی مبتنی بر نهج‌البلاغه، پیشدید مخاطبان فرهیخته نهیم.

نظام تعاریف و مصطلحات

مفهوم‌شناسی آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی از منظرهای گوناگون تعریف شده است؛ گاه آن را از دید واژگان، گاهی بر پایه آثار و پیامدهای این دانش و گاه نیز عرفی تعریف نموده‌اند.

آنچه مشهورترین آینده‌پژوهان مورد بحث قرار داده‌اند آن است که آینده‌پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش‌های جامعه، آینده مرجح را انتخاب و برای پی‌ریزی ساخت مطلوب‌ترین آینده، کمک کند (Bell, 2003, p. 73). این تعریف توسط «وندل بل»^۱ مطرح شده است. «لمپرت» گفته است: آینده‌پژوهی یعنی فراهم‌آوردن امکاناتی برای افزایش آگاهی از آینده و کنترل آن؛ آینده‌پژوهی درصدد آن است تا تمامی توان و ظرفیت عوامل شکل‌دهنده آینده را در راستای تحقق مطلوب‌ترین آینده، به‌کار گیرد (چاووشی، ۱۳۹۵، ص. ۵).

بر پایه تعاریف ارائه شده، برخی گفته‌اند: آینده‌پژوهی در ساده‌ترین و کامل‌ترین توصیف، کوششی نظام‌مند برای مطالعه آینده‌های ممکن^۲، محتمل^۳ و مرجح^۴ ارزش‌های بنیادین، اسطوره‌ها

1. Wendell Bell.
2. Possible futures.
3. Probable futures.
4. Preferable futures.

استعاره‌های یک جامعه است (چاووشی، ۱۳۹۵، ص. ۳).

آینده‌های ممکن ناظر به پدیده‌هایی هستند که امکان وقوع دارند؛ برای کشف این نوع آینده‌ها، باید وضع موجود را با روش‌هایی جدید، متفاوت و در چارچوب‌های خلاقانه و جانبی بررسی کرد. در بحث از آینده‌های محتمل نیز به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش هستیم که در یک بازه زمانی معین و با توجه به مقتضیاتی ویژه، محتمل‌ترین آینده برای پدیده‌ای خاص چه خواهد بود؟ در این نوع آینده‌پژوهی، آینده‌پژوهان به مطالعه شرایط موجود می‌پردازند تا پیش‌بینی‌های خود را بر آنها استوار سازند و از سویی دیگر نیز به بررسی روندها جهت‌دهی می‌کنند؛ روندهایی که از گذشته تا حال ادامه یافته‌اند. هدف از شناسایی و تحلیل روندها، آگاهی یافتن از رویدادهایی است که در گذشته نه چندان دور رخ داده‌اند. آینده‌های مرجح نیز دربردارنده رویدادهایی هستند که باید رخ دهند. «تافلر» معتقد است آینده‌پژوهان تلاش می‌کنند با جستجوی رؤیای پدیدارانه آینده‌های ممکن، بررسی منظم آینده‌های محتمل و ارزشیابی اخلاقی آینده‌های مرجح، انگاره‌هایی نو و بدیل از آینده بیافرینند (Toffler, 1978). آینده مطلوب نیز نوع دیگری از موضوعات آینده‌پژوهی است که هدف غایی در آن، شکل بخشیدن به آینده‌ای مطلوب برای جامعه است (Bell, 2003, p p. 80-73؛ عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳، ص ص. ۸۵-۸۳)

برخی نیز آینده‌پژوهی را مطالعه منظم آینده و علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب معنا نموده‌اند (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۲). «هنری دیوید» در تعریفی که در سال ۱۹۷۰ پیرامون چیستی آینده‌پژوهی ارائه نموده و ظاهراً از قدیمی‌ترین تعاریف آینده‌پژوهی است، می‌گوید: یک فرم و شکل فکری که در آن جامعه، آینده‌های محتمل و ممکن خود را در نظر می‌گیرد (دیوید، ۱۳۹۰، ص. ۹؛ علویان و جلودار، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۹).

در پژوهش‌های دیگران، حوزه علمی مطالعات آینده که همان آینده‌پژوهی نامیده می‌شود، به علم و هنر کشف آینده‌های ممکن و محتمل معنا شده تا به ساخت آینده‌های مطلوب خاتمه یابد (فاتح راد و دیگران، ۱۳۹۲؛ گلن گوردون، ۱۳۹۳؛ پدرام و جلالی‌وند، ۱۳۹۳؛ تقوی گیلانی، ۱۳۷۹). باید این نکته را افزود که آینده‌پژوهی یک علم- فناوری است و بر این پایه، دارای دو جنبه توصیفی و تجویزی است که به‌طور کامل درهم تنیده‌اند (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳، ص. ۹۴).

این تعریف به‌خوبی گویای دو ویژگی آینده‌پژوهی است: اول اینکه آینده‌پژوهی، دانش اقدام است و برخلاف بسیاری از علوم مرسوم اجتماعی در دل خود با اقدام و تجویز نسبت استواری

دارد. دوم اینکه آینده‌پژوهی به شدت ارزش‌مدار است و ارزش‌های فردی و اجتماعی پژوهشگر در آن دخیل است؛ چراکه مطلوبیت یا دلخواه بودن آینده‌هایی که به دنبال ساخت آن هستیم، بر ارزش‌های ما مبتنی است (عرب‌بافرانی و عیوضی، ۱۳۹۶، ص. ۸۶). پیش‌تر نیز گفتیم آینده‌پژوهی، دانشی بی‌طرف نیست (جیان، ۱۳۸۷، ص. ۲۷) و می‌دانیم اگر قائل به وجود آینده‌پژوهی تعبیری^۱ - یا فرهنگی - شویم، دیگر می‌توان در این نوع از آینده‌پژوهی، حضور عنصر «پیش‌بینی» را در تعریف ضروری ندانیم؛ بلکه در این نوع از آینده‌پژوهی، دستیابی به بینشی ژرف از آینده از طریق مطالعه دیدگاه‌ها، تصویرها و ارزش‌های فرهنگی و تمدنی، دستمایه پژوهشگر خواهد بود و برای اثربخشی آینده‌پژوهی در هر جامعه باید آن را بومی کرد (عنایت‌الله، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۹-۱۹۸). همچنین مطالعات حوزه‌های فلسفه و جامعه‌شناسی علم و فناوری نشان می‌دهند که وجوهی از هر علم و یا فناوری، از فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه تأثیر می‌پذیرد (چالمرز، ۱۳۸۵، ص. ۴۸-۳۶).

مفهوم‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی

بنا بر آنچه پیش‌تر گفتیم، آموزه‌های اسلام می‌توانند منظر تازه‌ای از آینده را در برابر انسان بگشایند و به‌طور نظری و عملی نشان دهند که اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین، ظرفیت‌های شگرفی برای حل و فصل مشکلات جهانی از فقر و بی‌عدالتی گرفته تا محیط زیست و اخلاق دارد. بنابراین طراحی نسخه‌ای از آینده‌پژوهی که از این منبع عظیم بهره جوید، ضروری به نظر می‌رسد. این ضرورت برای جوامع اسلامی بیشتر است (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳، ص. ۹۳).

بر این پایه برخی تلاش نموده‌اند تعاریفی متناسب با اهداف و آموزه‌های اسلامی از آینده‌پژوهی مطرح کنند. به نظر می‌رسد نخستین کسی که مفهوم آینده‌پژوهی اسلامی را مطرح نموده، «ضیاءالدین سردار» باشد. وی بحث خود از آینده را در سه زمینه مطرح می‌کند: آینده تمدن اسلامی، دانش اسلامی و رابطه بین اسلام و پست مدرنیسم (عنایت‌الله، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۴). باید توجه داشت آینده‌پژوهی اسلامی برخلاف آینده‌پژوهی مرسوم که سکولار و غربی است، نه تنها دین را کنار نمی‌گذارد؛ بلکه بر این باور است که منبع اصلی آینده‌پژوهی، دین اسلام است (چاووشی، ۱۳۹۵، ص. ۵).

جمع‌بندی و ارائه دیدگاه مختار در آینده‌پژوهی اسلامی

یکی از نقدهای مهم بر تعاریف ارائه شده از آینده‌پژوهی اسلامی، خلط میان آینده‌های محتوم و غیرمحتوم و آینده‌های تحت تصرف انسان و خارج از تصرف انسان است.

برای نمونه برخی نوشته‌اند: «آینده‌پژوهی اسلامی، مبانی و اصول موضوعه خود را از اسلام ناب اخذ می‌کند و نگاه به امر مقدس ظهور دارد؛ اما در صورت لزوم از ابزارها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی عرفی با رعایت ملاحظات خاص استفاده می‌کند» (مسلمی‌زاده، ۱۳۸۴، ص. ۹).

چنانکه پیداست این تعریف دو اشکال اساسی دارد: نخست آنکه آینده‌پژوهی را در امر مقدس ظهور، خلاصه می‌کند و دوم آنکه قائل به وجود ابزارها و تکنیک‌های عرفی برای آینده‌پژوهی است. حال آنکه بسیاری اندیشمندان مسلمان و غربی به پارادایمیک بودن و اختصاص‌یافتگی هر آینده‌پژوهی به تمدن و فرهنگ برخاسته از آن، اذعان نموده‌اند. در آینده‌پژوهی سکولار و غربی، هدف تأمین محض دنیا و تدوین برنامه‌هایی برای رسیدن به آینده مطلوب همان فرهنگ یعنی بهره‌وری و کام‌گیری نامشروع و مستکبرانه از امکانات مادی است (اسلاتر و همکاران، ۱۳۸۴، ص. ۱۱-۱۲). اما در آینده‌پژوهی اسلامی به دنبال برنامه‌ریزی برای دستیابی به آینده مطلوب اسلامی هستیم که همانا وصول کامل به قرب و رضوان الهی است. در این مسیر، بهره‌مندی پیروان اسلام حتی از دنیا با بهره‌وری غرب از دنیا، دارای اشتراک نیست تا بگوییم آنها به دنیای محض می‌نگرند و ما در کنار دنیا به آخرت؛ بلکه دقیق‌تر باید گفت: پیروان اسلام به دنبال آخرت هستند و دنیای مطلوبشان نیز در پرتو آخرت ایشان، سامان می‌یابد؛ از این رو در خاستگاه‌های علم‌وفناوری هیچ‌گاه با غرب به سامان نیستیم (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳، ص. ۹۳).

بنابراین، می‌توان آینده‌پژوهی اسلامی را در دو حوزه کلان تصویر نمود: حوزه نخست آینده‌پژوهی اسلامی به واکاوی عوامل مؤثر بر آینده مطلوب و مطالعه در چگونگی دستیابی به آن و حوزه دوم به تصویر آینده مطلوب از دیدگاه متون اسلامی اختصاص می‌یابد. بر این اساس، آینده‌پژوهی اسلامی، فرایند فهم و درک آینده مطلوب از منظر اسلام و سپس چگونگی و بایسته‌های حرکت به سوی آینده مطلوب اسلامی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است.

اگر تعریف فوق از آینده‌پژوهی اسلامی را بپذیریم، بهره‌مندی از روش اجتهاد در ادله اسلامی نیز مقدور می‌شود؛ زیرا بخشی از آینده‌پژوهی اسلامی، دریافت تصویر مطلوب اسلام از آینده‌های نزدیک و دور است؛ بخش دیگر نیز چگونگی وصول به آینده مطلوب خواهد بود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های بنیادی به‌شمار می‌آید و روش تحقیق در نگاشته پیش‌رو مبتنی بر روش گردآوری داده‌ها به‌صورت اسنادی و تحلیلی - توصیفی است. بدین معنا که بر پایه اسناد کتابخانه‌ای، به تحلیل و توصیف داده‌ها پرداخته و از این رهگذر، مقاصد پژوهش خود را عرضه نموده‌ایم.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

نهج‌البلاغه به‌عنوان کتابی مشهور میان فریقین در تاریخ اسلام که ابعاد سیاسی و حکومتی آن بسیار مورد توجه قرار گرفته، در عرصه آینده‌پژوهی راهبردهای پراج و ارزنده‌ای به‌دست می‌دهد. براساس پژوهش انجام شده در این کتاب، با سه نوع آینده از نگاه نهج‌البلاغه روبه‌رو هستیم:

۱. آینده محتوم (قطعی)؛

۲. آینده غیرمحتوم (غیرقطعی)؛

و باز آینده غیرمحتوم خود به دو گونه ذیل تقسیم می‌شود:

۱. آینده غیرمحتوم غیبی؛

۲. آینده غیرمحتوم عقلانی-عقلانی؛

در ادامه به معرفی انواع آینده از منظر نهج‌البلاغه پرداخته و نمونه‌هایی را یادآور می‌شویم.

انواع آینده از منظر نهج‌البلاغه

۱. آینده محتوم (قطعی)

این نوع از آینده از تصرف انسانی خارج و نه تنها افراد بلکه جوامع نیز امکان و توان تصرف در این بستر را ندارند؛ زیرا آینده‌های محتوم، آینده‌هایی هستند که در ابعاد کلان تاریخ، تصرف می‌کنند و این امر برای افراد و جوامع که خود ذیل تاریخ حرکت می‌کنند، امری نامقدور است.

آینده‌های محتوم، مستقیماً به اراده و فعل الهی بازگشت نموده و هنگامه و چگونگی پدیدآمدن آنها، در علم الهی مستور است. به میزانی که خداوند بشریت را از اخبار غیبی محتوم خود، آگاه نموده باشد، آنان نیز آگاهی یافته‌اند؛ اما آگاهی چیزی غیر از تصرف و دخالت در پدیدآوری است.

براساس روایات امامیه و کتاب نهج‌البلاغه، رستاخیز - یا همان قیامت - رجعت نیکان و بدان و ظهور منجی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سه واقعه محتوم و قطعی هستند که افراد و جوامع در وقوع آنها هیچ‌گونه دخالت و تصرفی ندارند (حلی، ۱۴۲۱، ص. ۸۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص. ۳۶۶)؛ گرچه ممکن است در نزدیک‌شدن یا دورشدن دوران ظهور، اندکی اثرگذار باشند (عیاشی، ۱۳۸۱،

رستاخیز به مثابه آینده محتوم؛ بستری برای آینده‌پژوهی

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در عبارات گوناگون و با بیان‌های متعدد، حتمیت رستاخیز را به‌عنوان آینده‌ای قطعی و مقدر و خارج از تصرف انسان توصیف می‌فرماید. به برخی از اهم این عبارات در جدول ذیل اشاره می‌شود:

جدول ۱. رستاخیز؛ آینده‌ای محتوم

ردیف	متن	موضع
۱	«حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَ الْأَمْرُ مَقَادِيرَهُ وَ الْحَقُّ آخِرُ الْخَلْقِ بِأَوْلَاهِ وَ جَاءَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ مَا يُرِيدُهُ مِنْ تَجْدِيدِ خَلْقِهِ أَمَادِ السَّمَاءِ وَ فَطْرَهَا وَ أَرْجَ الْأَرْضِ وَ أَرْجَفَهَا وَ قَلَعَ جِبَالَهَا وَ نَسَفَهَا وَ ذَكَ بِغُضِّهَا بَعْضًا مِنْ هَيْبَةِ جَلَالَتِهِ وَ مَخَوْفِ سَطْوَتِهِ وَ أَخْرَجَ مِنْ فِيهَا فَجَادَهُمْ بَعْدَ إِخْلَاقِهِمْ وَ جَمَعَهُمْ بَعْدَ تَفَرُّقِهِمْ ثُمَّ مَيَّرَهُمْ لِمَا يُرِيدُهُ مِنْ مَسْأَلَتِهِمْ عَنْ خَفَايَا الْأَعْمَالِ وَ خَبَايَا الْأَفْعَالِ وَ جَعَلَهُمْ فَرِيقَيْنِ.» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص ۱۶۱-۱۵۸)	خطبه ۱۰۹
۲	«بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا وَ بِالدُّنْيَا تُحْرَزُ الْآخِرَةُ وَ بِالْقِيَامَةِ تُزْلَفُ الْجَنَّةُ وَ تُبْرَزُ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ وَ إِنَّ الْخَلْقَ لَا مَقْصَرَ لَهُمْ عَنِ الْقِيَامَةِ مُرْقِلِينَ فِي مَضْمَارِهَا إِلَى الْغَايَةِ الْفُصُولَى.» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص ۲۱۹)	خطبه ۱۵۶
۳	«عِبَادَ اللَّهِ فَإِنَّ الدُّنْيَا مَاضِيَةٌ بِكُمْ عَلَى سَنَنِ وَ أَنْتُمْ وَ السَّاعَةُ [السَّاعَةُ] فِي قَرْنٍ وَ كَانَتْهَا قَدْ جَاءَتْ بِأَشْرَاطِهَا وَ أَرْفَتْ بِأَفْرَاطِهَا وَ وَقَفَتْ بِكُمْ عَلَى صِرَاطِهَا وَ كَانَتْهَا قَدْ أَشْرَفَتْ بِرِزَالِزِلِهَا وَ أَنَاخَتْ بِكَلَاكِلِهَا وَ أَنْصَرَمَتْ [أَنْصَرَفَتْ] الدُّنْيَا بِأَهْلِهَا وَ أَخْرَجَتْهُمْ مِنْ حِضْنِهَا فَكَانَتْ كَيَوْمِ مَضَى أَوْ شَهْرِ أَنْقَضَى.» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص ۲۸۰)	خطبه ۱۹۰
۴	«إِنَّ السَّاعَةَ تَخْدُوكُمْ مِنْ خَلْفِكُمْ تَخَفُّوْا تَلْحَقُوا فَإِنَّمَا يُنْتَظَرُ بِأَوْلِكُمْ آخِرُكُمْ.» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص ۲۴۲)	خطبه ۱۶۷
۵	«وَ كَانَ الصَّيْحَةُ قَدْ أُتَتْكُمْ وَ السَّاعَةُ قَدْ غَشِيَتْكُمْ وَ بَرَزْتُمْ لِفُضْلِ الْقَضَاءِ.» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص ۲۲۱)	خطبه ۱۵۷

بر این اساس، قیامت و رستاخیز به‌عنوان آینده‌ای محتوم است که حرکت انسان‌ها و جوامع به‌سوی آن از اختیار و تصرف آنها خارج و ناگزیر است. باید توجه نمود گرچه این واقعه، قطعی و محتوم است؛ اما برنامه‌ریزی‌های فردی و اجتماعی برای مواجهه و رویارویی بهتر و والاتر با آن می‌تواند موضوع آینده‌پژوهی قرار گیرد. در اینجا پرسش آن است که چه کنیم تا رستاخیز بهتری

داشته باشیم؟ پاسخ این پرسش قطعاً دارای بساطت نیست؛ بلکه بایستی با روش اجتهادی در ادله و متون اسلامی تأمل نمود و شاخص‌های رویارویی نیکو با رستاخیز و در زمره نیکان قرارگرفتن را استخراج نمود. سپس متناسب با آن برنامه‌ریزی‌های فردی و اجتماعی را سامان داد؛ برنامه‌ریزی‌های آینده‌پژوهانه در این بستر سبب می‌شود اقدامات افراد و جوامع پیرو، منجر به رسیدن به آینده محتوم مورد تمایل و رغبت گردد. با این بیان، نمی‌توان پذیرفت که آینده‌های محتوم را خارج از بستر دانش آینده‌پژوهی بدانیم. برخی محققان، آینده‌های محتوم را نظر به عدم امکان ورود اجتهاد به‌عنوان یک روش علمی در این زمینه، آن را در دایره این دانش ندانسته‌اند (عرب‌بافرانی و عیوضی، ۱۳۹۶، ص. ۸۹)؛ حال آنکه پیداست گرچه در کیف صورت‌بندی آن، دخالتی از سوی بشر نیست، اما در کیف رویارویی با آن واقعه، بشر مختار و قادر به تصرف و عمل است.

رجعت به مثابه آینده محتوم؛ بستری برای آینده‌پژوهی

رجعت به معنای بازگشت نیکان و بدان پیش از قیامت و رویارویی صفوف حق و باطل برای غلبه جریان حق بر باطل است. این باور از باورهای ضروری امامیه است (پاکتچی، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۱).

جدول ۲. رجعت؛ آینده‌ای محتوم

موضوع	متن	ردیف
حکمت ۲۰۹	وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَتُعْطَفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصَّرُوسِ عَلَى وَادِّهَا وَ تَلَّا عَقِيبَ ذَلِكَ «وَأَنْ تُرِيدَ أَنْ تُؤْمِنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ تَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (الشريف الرضي، ۱۴۱۴، ص. ۵۰۶؛ بيضون، ۱۴۱۷، ص. ۳۵۰)	۱

رجعت نیز به‌عنوان یکی از وقایع قطعی و آینده‌های محتوم که در روایات امامیه به آن اشاره شده است، می‌تواند در بستر آینده‌پژوهی تعبیری^۱ -یا فرهنگی- موضوعی برای آینده‌پژوهی باشد؛ زیرا در آینده‌پژوهی تعبیری، به‌دنبال دستیابی به بینشی ژرف از آینده از طریق مطالعه دیدگاه‌ها، تصویرها و ارزش‌های فرهنگی و تمدنی هستیم (عنایت‌الله، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۹-۱۹۸).

ظهور به مثابه آینده محتوم؛ بستری برای آینده‌پژوهی

ظهور منجی آخرالزمان، یکی از باورهای مشهور ادیان ابراهیمی است. بر این پایه، یکی از آینده‌های مشترک بین‌الادیانی و بین‌المللی، ظهور منجی و درگیری ایشان با ظالمان و مستکبران و

به پیروزی رسانیدن مستضعفان و نیکان است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز بر پایه نقل سید رضی در نهج‌البلاغه به این آینده محتوم اشاره داشته‌اند.

جدول ۳. ظهور؛ آینده‌ای محتوم

موضوع	متن	ردیف
خطبه ۱۰۰	«خَلَّفَ فِينَا رَايَهُ الْحَقُّ مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زَهَقَ وَ مَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ دَلِيلُهَا (أَيَ الْإِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَكِيثُ الْكَلَامِ بَطِيءُ الْقِيَامِ سَرِيعٌ إِذَا قَامَ فَإِذَا أَنْتُمْ أَنْتُمْ لَهُ رِقَابِكُمْ وَ أَسْرَتُمْ إِلَيْهِ بِأَصَابِعِكُمْ جَاءَهُ الْمَوْتُ فَذَهَبَ بِهِ فَلَبِثْتُمْ بَعْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ حَتَّى يُطَلِّعَ اللَّهُ لَكُمْ مَنْ يَجْمَعُكُمْ وَ يَضْمُ نَسْرَكُمْ (يقصد به الإمام المهدي عجل الله فرجه...)» (الشريف الرضي، ۱۴۱۴، ص. ۱۴۶؛ بيضون، ۱۴۱۷، ص. ۳۴۹)	۱
خطبه ۱۳۸	حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ بَادِيًا نَوَاجِدُهَا مَمْلُوءَةٌ أَخْلَافُهَا خُلُوعًا رِضَاعُهَا عُلْقَمًا عَاقِبَتُهَا أَلٌّ وَ فِي غَدٍّ وَ سَيَاتِي غَدٌ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَلُهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا وَ تَخْرُجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَيْدِهَا وَ تَلْقَى إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرَةِ وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ (الشريف الرضي، ۱۴۱۴، ص. ۱۹۵)	۲

آمادگی برای ظهور و بسترسازی نسبت به این واقعه نیز از ضرورت‌های آینده‌پژوهی است. برنامه‌ریزی‌های معطوف به ظهور، می‌تواند عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی و... را دربرگیرد.

۲. آینده غیرمحتوم (غیرقطعی)

در اینکه آینده‌های غیرمحتوم، موضوع آینده‌پژوهی هستند، میان محققان تردیدی نیست. آینده‌های غیرمحتوم، آینده‌هایی هستند که افراد و جوامع در ساخت آنها متناسب با تصویر مطلوب خود، دخالت داشته و امکان تصرف دارند؛ گرچه نظر به مخلوق بودن آنها و توانایی محدودشان، تصرف آنها را محدود بدانیم.

در نهج‌البلاغه، آینده‌های غیرمحتوم به دو گونه کلان، هویدا شده‌اند:

۱. آینده غیرمحتوم غیبی؛

۲. آینده غیرمحتوم عقلانی - عقلانی؛

۳. آینده غیرمحتوم غیبی

گونه نخست، آینده‌های غیرمحتومی هستند که به‌وسیله خبر غیبی توسط امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) مبتنی بر علم الهی ایشان، اعلام شده‌اند. در مورد این اخبار غیبی - که نمونه‌های آن

در ادامه خواهد آمد- باید گفت می‌توان آنها را نیز بستری برای آینده‌پژوهی اسلامی قرار داد؛ زیرا این اخبار غیبی از آینده‌های محتوم و غیرقابل‌گریز سخن نمی‌گویند. وقتی به متن نهج‌البلاغه و این نمونه‌ها مراجعه می‌کنیم می‌بینیم پدیداری آن وقایع در آینده‌های دور و نزدیک که به‌وسیله خبر غیبی به ما رسیده است، وابسته به رفتارهای اجتماعی است که جامعه از خود بروز می‌دهد. بر این اساس، برای عدم ابتلاء به آینده‌های نامطلوبی که توسط اخبار غیبی اعلام شده، برنامه‌ریزی جهت رفتارهای صحیح اجتماعی در مسیر پرهیز از آینده‌های غیرمحتوم غیرمطلوب تا رسیدن به آینده مطلوب، ضرورت می‌یابد.

جدول ۴. اخبار غیبی؛ آینده‌های غیرمحتوم

ردیف	متن	موضوع	خبر غیبی
۱	«وَلَوْ تَعْلَمُونَ مَا أُعْلِمَ مِمَّا طَوَىٰ عَنْكُمْ غَيْبُهُ إِذَا أَخْرَجْتُمْ إِلَى الصُّعَدَاتِ تَبْكُونَ عَلَىٰ أَعْمَالِكُمْ وَتَلْتَدُمُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ وَتَلْرَكْتُمْ أَمْوَالَكُمْ لَا حَارِسَ لَهَا وَلَا خَالَفَ عَلَيْهَا وَلَهَمَّتْ كُلُّ أَمْرٍ مِنْكُمْ نَفْسُهُ لَا يَلْتَفِتُ إِلَيْهَا غَيْرَهَا وَلَكِنَّكُمْ نَسِيتُمْ مَا ذُكِّرْتُمْ وَآمَنْتُمْ مَا خَدَرْتُمْ فَتَنَاهَ عَنْكُمْ رَأْيِكُمْ وَتَشَتَّتَ عَلَيْكُمْ أَمْرُكُمْ وَكُوْدِدْتُمْ أَنْ اللَّهَ فَرَّقَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَالْحَقَّيْنِ بَيْنَهُ هُوَ أَحَقُّ بِي مِنْكُمْ قَوْمٌ وَاللَّهُ مَيَامِينُ الرَّأْيِ مَرَاجِيحُ الْحِلْمِ مَقَاوِيلُ بِالْحَقِّ مَتَارِيكُ لِلْبَغْيِ مَضُوءًا قَدَمًا عَلَى الطَّرِيقَةِ وَأَوْجَفُوا عَلَى الْمَحَجَّةِ فَطَفِرُوا بِالْعُقْبَى الدَّائِمَةِ وَالْكَرَامَةُ الْبَارِدَةُ أَمَا وَاللَّهِ لَيْسَلَطَنَّ عَلَيْكُمْ غَلَامٌ تَقِيفُ الدِّيَالِ الدِّيَالُ يَأْكُلُ خَضِرَتَكُمْ وَيَذِيبُ شَحْمَتَكُمْ إِيَّهَ أَبَا وَذَحَّةَ.» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص. ۱۷۴)	خطبه ۱۱۶	اشاره به داستان حجاج بن يوسف ثقفی که سال‌ها بعد رخ داد.
۲	و من كلام له عليه السلام: فيما يخبر به عن الملاحم بالبصرة: «يَا أَحْنَفُ كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ سَارَ بِالْجَيْشِ الَّذِي لَا يَكُونُ لَهُ غُبَارٌ وَلَا لَجَبٌ وَلَا قَعْقَعَةٌ لُجْمٍ وَلَا حَمَمَةٌ خَيْلٌ يُبِيرُونَ الْأَرْضَ بِأَقْدَامِهِمْ كَأَنَّهَا أَقْدَامُ النَّعَامِ [قال الشريف يومئذ ذلك إلى صاحب الزنج].» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص. ۱۸۵)	خطبه ۱۲۸	اشاره به وقایع بصره در سال ۲۵۵ قمری
۳	«كَأَنِّي أُرَاهُمْ قَوْمًا كَأَنَّ وَجُوهُهُمْ الْمَجَانُ [الْمُطْرَقَةُ] الْمُطْرَقَةُ يَلْبَسُونَ السَّرِقَ وَالذَّبِيحَ وَيَعْتَقِبُونَ الْخَيْلَ الْعِتَاقَ وَيَكُونُ هُنَاكَ اسْتِخْرَارُ قَتْلِ حَتَّى يَمْشِيَ الْمَجْرُوحُ عَلَى الْمَقْتُولِ وَيَكُونُ الْمُفْلِتُ أَقْلًا مِنْ	خطبه ۱۲۸	اشاره به حمله مغول و اتراک

ردیف	متن	موضوع	خبر غیبی
	الْمَأْسُورِ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ لَقَدْ أُعْطِيَتْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عِلْمَ الْغَيْبِ. (الشريف الرضي، ۱۴۱۴، ص. ۱۸۶)		

به‌نظر می‌رسد اخبار غیبی حضرت از آینده‌های بعد، ناظر به ویژگی‌ها و رفتار اجتماعی مردمانی باشد که در آن دوران و دوران‌های بعد داشته‌اند؛ زیرا در عبارات خطبه ۱۱۶ که ظاهراً به واقعه حجاج بن یوسف تقفی اشاره دارد، حضرت می‌فرماید: «اگر نسبت به آنچه من خبر غیبی دارم، خبر می‌داشتید، نسبت به اعمال خود گریه می‌کردید» (الشريف الرضي، ۱۴۱۴، ص. ۱۷۴). این امر واگویی‌گر این نکته است که آن حضرت برای هدایت، رشد و بیداری مردمان، پیامد رفتارهای اجتماعی ایشان را به‌وسیله اخبار غیبی گوشزد می‌نمودند تا آنان نسبت به خود درنگ نموده و در نتیجه این درنگ، افراد و جوامع اصلاح شوند.

بر این پایه، اخبار غیبی که در نهج‌البلاغه و سایر کتب حدیثی امامیه وارد شده است و منحصر در زمان یا مکان خاصی نیستند و یا اخبار غیبی بوده‌اند که به‌وقوع پیوسته‌اند، می‌توانند محل مطالعه و پژوهش قرار گیرند تا مشخص شود کدام‌یک از رفتارهای اجتماعی و صفات جوامع، دارای عواقب و پیامدهای ناخوشایند و غیرمطلوب و کدام‌یک دارای پیامدهای مطلوب است. سپس بر این اساس، آینده‌پژوهان، ویژگی‌های تفصیلی جوامعی را که دچار پیامدهای نامطلوب شده یا برخوردار از بهره‌های مطلوب بوده‌اند، به‌دست آورده و بر آن پایه (و در صورت بررسی امکان تکرارپذیری و تخلف‌ناپذیری آنها)، می‌توانند به تجویز و اقدام برسند؛ زیرا آینده‌پژوهی دانشی است که تجویز و اقدام در متن آن حضور دارد و دانشی صرفاً نظری نیست.

۴. آینده غیرمحتوم عقلانی - عقلانی

گونه دوم آینده‌های غیرمحتوم، آینده‌های عقلانی - عقلانی هستند. توضیح این دست آینده‌ها بدین شکل است که گاه با استدلال عقلی و فهم عقلانی از رفتارهای اجتماعی و شیوه حکمرانی می‌توان آینده‌ای را تصور نمود که پیامدهای مطلوب یا نامطلوبی به‌واسطه پابندی به رفتارهای خاص اجتماعی یا شیوه خاص حکمرانی خواهد داشت. برخی پژوهشگران بر آن هستند آینده‌های غیرمحتوم عقلانی - عقلانی، می‌تواند زمینه و بستری برای تلاقی و اشتراک فرهنگی جوامع گوناگون بوده و برای بهره‌مندی از مباحث آینده‌پژوهی غربی نیز نوعی کارآمدی و توجیه ایجاد نماید. این ادعا در محلی دیگر بایستی مورد بررسی قرار گیرد.

برای توضیح بیشتر آینده غیرمحتوم عقلانی - عقلانی به یادکرد یک نمونه می‌پردازیم؛

کشورهایی که نسبت به استقلال سیاسی، تمامیت ارضی و امنیت سرزمینی خود بی‌توجه باشند، بایستی در انتظار پیامد آن نیز باشند؛ پیامدی که جز طمع سایر کشورها به امکانات و منابع مادی این کشور و از میان رفتن امنیت سرزمینی آن نیست.

آینده‌های غیرمحتوم عقلانی-عقلانی در بیانات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه مورد اشاره قرار گرفته‌اند. آن حضرت ناظر به رفتارهای خاص مردمان در متابعت از حکومت یا نافرمانی آنان، شیوه مواجهه با مسائل اقتصادی جهان اسلام، شیوه رویارویی با دشمنان اسلام، شکل برخورد مردمان با امکانات مادی و سرمایه‌های سرزمینی و... آینده‌ای مطلوب یا نامطلوب را برای مردمان خود ترسیم می‌فرمایند.

ترسیم آینده مطلوب یا نامطلوب در نتیجه برنامه‌های حاکمان، رفتار اجتماعی مردمان و... یکی از شئون و وظایف دانش آینده‌پژوهی است. آینده‌پژوهی درصدد است برای رسیدن به آینده مطلوب برنامه‌ریزی نموده و ضمن تصویر نمودن آینده مطلوب، طریق رسیدن به آن را نیز با کمک سایر دانش‌ها تعیین نماید.

بیانات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه، در این بستر بسیار می‌تواند راهگشا باشد. بر این اساس، نهج‌البلاغه و سایر کتب حدیثی امامیه به‌ویژه قرآن کریم، در ترسیم آینده مطلوب کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت و سپس تعیین طریق رسیدن به آن بایستی مورد توجه آینده‌پژوهان قرار گیرند. در ادامه به مطالعه برخی بیانات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در این‌باره می‌نشینیم.

جدول ۵. پیامدهای عقلی اقدامات شایسته و ناشایسته: آینده‌های غیرمحتوم

ردیف	متن	موضع	توضیح
۱	<p>فَاسْتَمِعُوا مِنْ رَبَّائِكُمْ وَ أَخْضِرُوا قُلُوبَكُمْ وَ اسْتَيْقِظُوا إِن هَتَفَ بِكُمْ وَ لِيُصَدِّقُوا رَأْيَهُ أَهْلَهُ وَ لِيَجْمَعَ شَمْلَهُ وَ لِيُخْضِرَ ذَهَبَهُ فَلَقَدْ فَتَقَ لَكُمْ الْأَمْرَ فَلَقِيَ الْخَرْزَةَ وَ قَرَفَهُ قَرَفَ الصَّمْغَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ أَخَذَ الْبَاطِلُ مَا خِذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرَآبَهُ وَ عَظُمَتِ الطَّاعِيَةُ وَ قَلَّتِ الدَّاعِيَةُ وَ صَالَ الدَّهْرُ صِيَالِ السَّبْعِ الْعُقُورِ وَ هَدَرَ فَبِيقِ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُطُومِ وَ تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابُّوا عَلَى الْكَذِبِ وَ تَبَاعَضُوا عَلَى الصِّدْقِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ الْوَلَدُ غَضِطاً وَ</p>	خطبه ۱۰۸	<p>اشاره به وضعیتی که در آن باطل روی کار می‌آید و پیامدهای تاریخی-اجتماعی روی کار آمدن باطل</p>

ردیف	متن	موضع	توضیح
	<p>الْمَطْرُ قَيْظًا وَ تَفِيضُ النَّامِ فَيْضًا وَ تَغِيضُ الْكِرَامِ غَيْضًا وَ كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذِنَابًا وَ سَلْطِينَةً سِبَاعًا وَ أَوْسَاطُهُ أَكْأَلًا [أَكْأَلًا] وَ فُقْرَاؤُهُ أَثْوَاتًا وَ غَارَ الصِّدْقُ وَ فَاضَ الْكَذِبُ وَ اسْتُعْمِلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ وَ تَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَ صَارَ الْفُسُوقُ نَسَبًا وَ الْعَفَافُ عَجَبًا وَ لَيْسَ الْإِسْلَامُ لَيْسَ الْفُرُوقُ مَقْلُوبًا» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص. ۱۵۶)</p>		
۲	<p>«فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ.» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص. ۱۸۴)</p>	خطبه ۱۲۷	سنت تاریخی رقم خوردن سرنوشت‌ها با محوریت اجتماع
۳	<p>«أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَ الدِّمَاءِ وَ الْمَعَانِمِ وَ الْأَحْكَامِ وَ إِمَامَهُ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلُ فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَتُهُ وَ لَا الْجَاهِلُ فَيُضِلُّهُمْ بِجَهْلِهِ وَ لَا الْجَافِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَائِهِ وَ لَا الْحَائِفُ لِلدُّوَلِ فَيَنْجِدَ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ وَ لَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحُقُوقِ وَ يَقِفَ بِهَا دُونَ الْمُقَاتِعِ وَ لَا الْمُعْطَلُ لِلسُّنَّةِ فَيُهْلِكَ الْأُمَّةَ.» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص. ۱۸۹)</p>	خطبه ۱۳۱	اشاره به برخی سنن تاریخی همچون هلاکت امت در نتیجه تعطیلی سنت
۴	<p>«إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَ حَبْسِ الْبَرَكَاتِ وَ إِغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيَتُوبَ تَائِبًا وَ يُقْلِعَ مُقْلِعًا وَ يَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرًا وَ يَزْدَجِرَ مُزْدَجِرًا.» (الشريف الرضى، ۱۴۱۴، ص. ۱۹۹)</p>	خطبه ۱۴۳	اشاره به سنت تاریخی ابتلاء هنگام انجام جمعی اعمال ناپسند

نمونه‌های فراوانی در نهج البلاغه می‌توان یافت که رفتارهای اجتماعی، شیوه حکومت و منش حاکمان و... را مورد ارزیابی و بررسی قرار داده و پیامدهای آن را بیان نموده است. بهره‌ای که می‌توان از این گزاره‌ها در نهج البلاغه برد آن است که اولاً این سخنان توسط امیرالمؤمنین (علیه السلام) به‌عنوان معصوم و دارای عصمت و علم الهی بیان گردیده و سپس پیامدهای عقلانی رفتارهای اجتماعی را گوشزد می‌نماید. بر این اساس، در بستر گزاره‌های آینده‌نگرانه نهج البلاغه به‌ویژه آنجا که به آینده‌های غیرمحتوم و مورد تصرف و اختیار انسان اشاره می‌کند، می‌توان

رگه‌های آینده‌پژوهی اسلامی را جست و براساس آنچه از این گزاره‌ها و در کنار هم نهادن آنها با آیات قرآن کریم و سایر روایات معتبر با روش اجتهادی به‌دست می‌آید، برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را رقم زد. یکی از نمونه‌های جالب توجه در این بستر نیز فرمان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به مالک اشتر در اداره مصر است که به منشور حکومتی آن حضرت مشهور بوده و به‌عنوان نامه ۵۳ نهج‌البلاغه توسط سید رضی درج گردیده است (الشریف الرضی، ۱۴۱۴، ص. ۴۲۶)

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۱. به‌نظر می‌رسد آینده‌پژوهی به‌مثابه دانشی نوپدید می‌تواند بستری برای طرح موضوعات اسلامی و برنامه‌ریزی‌های مسلمانان معطوف به آینده‌های مطلوب از نظر دین اسلام قرار گیرد.
۲. با نظر به متون اسلامی به‌ویژه نهج‌البلاغه به‌دست می‌آید دوگونه آینده‌های محتوم و آینده‌های غیرمحتوم از منظر این متون وجود دارد که با بررسی به‌عمل آمده، هر دوگونه آینده می‌تواند بستر آینده‌پژوهی اسلامی باشد؛ زیرا در آینده‌های غیرمحتوم، امکان تصرف انسانی و برنامه‌ریزی و رسیدن به آینده مطلوب وجود دارد و در آینده‌های محتوم نیز گرچه امر از تصرف انسان خارج است، اما شیوه رویارویی و شکل مواجهه افراد و جوامع با آینده‌های محتوم، بسته به برنامه‌های اجتماعی و رفتارهای فردی آنان دارد.
۳. آینده‌های غیرمحتوم، خود شامل آینده‌های غیرمحتومی که با اخبار غیبی به‌دست می‌آید و آینده‌های غیرمحتومی که عقلاً می‌تواند نتیجه رفتارها و پیامد برنامه‌ریزی‌های اجتماعی حکومت‌ها باشد، می‌شود.
۴. آینده‌پژوهی اسلامی، دانشی نظری نبوده و همچنان‌که در تعریف آینده‌پژوهی مدرن نیز عنصر تجویز و اقدام از ارکان تعریف به‌شمار می‌آید، در آینده‌پژوهی اسلامی نیز بستر پژوهش در آینده‌های محتوم و غیرمحتوم، بایستی به تجویز و اقدام خاتمه یابد.
۵. آینده‌های محتوم که شامل رستاخیز، رجعت و ظهور می‌شود، به‌عنوان آینده‌های کلان و دورنمای تمامی آینده‌هایی است که از نظر انسان مسلمان و حکومت اسلامی و تمدن اسلامی، مطلوب به‌شمار می‌آید؛ بر این پایه می‌بایست تمامی برنامه‌ریزی‌های اختصاص‌یافته

- به آینده‌های غیرمحتوم تا رسیدن به آینده مطلوب، معطوف به آینده آرمانی باشد که خاتمه حضور انسان در عالم هستی و انتقال او به عوالم دیگر می‌باشد.
۶. پیشنهاد می‌گردد با محور قراردادن قرآن کریم و کتب حدیثی امامیه، شاخص‌های آینده مطلوب توسط آینده‌پژوهان با هم‌یاری متخصصان علوم دینی به صورت نظام‌مند و محدود استخراج شده و باز بر مبنای همان متون اسلامی، طریق دستیابی به آینده‌های مطلوب متناسب با بازه‌های زمانی کوتاه، میانه و بلند تنظیم و ارائه گردد.
۷. تدوین دانشنامه آینده‌پژوهی اسلامی مبتنی بر متون اسلامی می‌تواند ایده‌ای برای گردآوری متون آینده‌نگرانه اسلامی باشد تا بستر پژوهش بیشتر آینده‌پژوهان مسلمان را فراهم آورد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی و عربی

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳). معانی الأخبار. اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اسلاتر، ریچارد و همکاران (۱۳۸۴). نواندیشی برای هزاره نوین. ترجمه عقیل ملکی فر و همکاران، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- بل، وندل (۱۳۹۲). مبانی آینده‌پژوهی. ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، اول، تهران، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- بهروزی لک، غلامرضا و جلیلود، محمدرضا (۱۳۹۳). سیر تحولات فرارشته، مطالعه موردی آمریکا. نشریه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۷ (۱).
- بهروزی لک، غلامرضا و دهکردی، علی جعفر (۱۳۹۸). مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن ساز مبتنی بر قرآن کریم. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۳.
- بیضون، لیب (۱۴۱۷). تصنیف نهج البلاغه. سوم، قم، مرکز الإعلام الإسلامي.
- پاکچی، احمد (۱۳۸۸). رجعت؛ دانشنامه بزرگ اسلامی. تهران. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- پایا، علی و همکاران (۱۳۹۴). آشنایی با برخی از تجارب آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی در جهان. اول، تهران، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- تقوی گیلانی، مهرداد و غفرانی، محمدباقر (۱۳۷۹). مطالعات و روش‌های آینده‌شناسی. نشریه رهیافت، ۳ (۲۲).
- جین، جوئینگ (۱۳۸۷). تغییرات فناوری به‌سوی فناوری‌های نرم. ترجمه رضا حسینی و شهریار سلامی، تهران، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- چالمرز، آن فرانسیس (۱۳۸۵). چستی علم. ترجمه سعید زیباکلام، تهران، سمت.
- چاووشی، ناصر (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای آینده‌پژوهی اسلامی و غربی با کاربرد طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دوره ۵.
- حلّی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱). مختصر البصائر. اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامي.
- حیدری، امیرهوشنگ (۱۳۹۳). مبانی و مفاهیم آینده‌پژوهی. فصلنامه علمی-ترویجی ترویج علم، ۵ (۷).
- دیوید، هنری (۱۳۹۰). مفاهیم و روش‌های آینده‌پژوهی. ترجمه مسعود منزوی، اول، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
- رکوعی، ایمان (۱۳۹۵). ارزیابی مقدماتی مفروضات آینده‌پژوهی از نگاه دین اسلام (با تأکید بر قرآن و نهج البلاغه). نشریه آینده‌پژوهی ایران، ۱ (۱).
- الشریف الرضی، السید محمد بن الحسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه. تصحیح الصبحی الصالح، قم، هجرت.
- صادقی، عبدالمجید (۱۳۹۶). آینده‌پژوهی با رویکرد دینی. دوم، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- عالی‌نژاد، صمد (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی از دیدگاه قرآن کریم (مبانی، اصول و روش‌ها). قم، زمزم هدایت.

- عرب بافرانی، محمدرضا و عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۶). درآمدی بر آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی از طریق مطالعه روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد در فقه امامیه. *نشریه مدیریت اسلامی*، ۲۵ (۳).
- علویان، مرتضی و حلیمی جلودار، حبیب‌الله (۱۳۹۳). آینده‌پژوهی از منظر آموزه‌های دینی. *فصلنامه قرآن و علوم بشری*، ۳ (۲).
- عنایت‌الله، سهیل (۱۳۸۸). تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها نظریه و موردکاوی‌های یک روش‌شناسی یکپارچه و متحول‌ساز آینده‌پژوهی (مجموعه مقالات). ترجمه مسعود منزوی، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۱). تفسیر العیاشی. تهران، انتشارات مکتبه‌الاسلامیه.
- عیوضی، محمدرحیم و پدرام، عبدالرحیم (۱۳۹۳). امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی. *نشریه مشرق موعود*، ۸ (۲۹).
- فاتح‌راد، مهدی؛ جلیوند، محمدرضا و نصراللهی وسطی، لیلیا (۱۳۹۲). درآمدی بر مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آینده‌پژوهی. *نشریه مطالعات آینده‌پژوهی*، ۲ (۸).
- کارگر، رحیم و وزیرزاده، محمدهاشم (۱۳۹۹). تحلیل و بررسی مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی اسلامی و غربی. *نشریه پژوهشنامه موعود*، ۲ (۲).
- گلن، جروم سی و گوردون، تئودور جی (۱۳۹۳). دانشنامه بزرگ روش‌های آینده‌پژوهی. تهران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- مسلمی‌زاده، طاهره (۱۳۸۴). پایگاه دانش آیات و روایات آینده‌اندیشی. اول، تهران، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ملکی‌فر، عقیل و همکاران (۱۳۸۵). الفبای آینده‌پژوهی (علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا). بی‌جا، انتشارات کرانه علم.
- منطقی، محسن (۱۳۹۱). درآمدی بر اسلام و آینده‌پژوهی. *نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۱ (۴).
- نصر اصفهانی، علیرضا و وقوفی، امید (۱۳۹۹). روندهای حاکم بر آینده شیعه. *نشریه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی*، ۱ (۲).
- وقوفی، امید (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر مبانی آینده‌پژوهی اسلامی. *نشریه آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی*، ۲ (۲).

ب. منابع انگلیسی

- Bell, W. *Foundations of Futures Studies* (2th ed), New Jersey: Transaction Publishers, 2003.
- Toffler, A *the Third Wave*, New York: Bantam Books, 1991.

